

درآمدی انتقادی بر کتاب «أسلوبية البيان العربي من أفق القواعد المعيارية إلى آفاق النص الإبداعي»

موسی عربی*

چکیده

در خصوص سبک شناسی جدید، تالیفات زیادی از سوی منتقدان به رویکردهای سنتی بلاغت به رشته تحریر در آمده که در این مقال سعی بر آن است تا یکی از این آثار یعنی «أسلوبية البيان العربي من أفق القواعد المعيارية إلى آفاق النص الإبداعي» را مورد نقد و بررسی قرار داد.

این اثر با روش تحلیل محتوا مورد نقد و بررسی قرار گرفته است که مهم‌ترین نتایج آن عبارت است از: مرزبندی دقیق بین بیان عربی در بلاغت قدیم و جدید که نویسنده توانسته با بخش کاربردی تحت عنوان «قراءة ونص» به توفیق خوبی دست یابد، تناسب عنوان با مطالب کتاب در تمامی فصول و دو کلیدواژه القواعد المعيارية و النص الإبداعي در تمامی فصول با شواهد و استنادات مورد تحلیل قرار گرفته است، نگاهی تمدنی و پویا به زبان به مثابه یک پیکر زنده، ارائه تحلیل‌های جامع در پایان هر بخش که خواننده را به یک برداشت شفاف، رهنمون می‌شود، نظم و تسلسل منطقی مباحث از جمله مهم‌ترین نقاط قوت اثر است، و از جمله کاستی‌های اثر می‌توان به برخی اشتباهات ویرایشی و نگارشی که البته بسیار اندک است، فشرده بودن مباحث کتاب و نداشتن تمرین‌ها و آزمون، نداشتن فهرست اعلام، آیات و اشعار، عدم بررسی و نقد آراء صاحب‌نظران غربی، اشاره کرد.

کلیدواژه‌ها: اسلوبیه، بیان، بلاغت جدید، بلاغت قدیم، غرکان.

۱. مقدمه

علم بلاغت همچون سایر علوم ادبی با گذشت زمان و ظهور جریان‌های ادبی جدید، بر سر دو راهی سنت و مدرنیته قرار گرفت؛ عده‌ای بلاغت را با رویکردهای قدیمی کناری نهادند

*استادیار بخش زبان و ادبیات عربی دانشگاه شیراز. moosaarabi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱/۲۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۴/۱

و قائل به جایگزینی بلاغت مبتنی بر رویکردهای جدید شدند و عده‌ای دیگر بلاغت جدید را صرفاً همان بلاغت قدیم دانستند که در پوشش‌های به ظاهر جدید رخ نمایانده و بن مایه همان است که بود. در این میان گروهی دیگر با نگاهی میانه و قرار دادن بلاغت قدیم به عنوان اساس بلاغت جدید به هر دو رویکرد توجه کردند که از جمله این گروه، افرادی «چون شیخ امین خولی، احمد شایب، احمد حسن الزیات و مصطفی صادق الرافعی بودند که تلاش‌های آغازین آنان، شروعی بر ارتباط بین بلاغت قدیم و سبک شناسی جدید بود» (عبدالمطلب، ۱۹۹۷، ۶)

هر یک از رویکردهای حاضر می‌تواند به جای خود در بوته نقد قرار گیرد که در این مجال نمی‌گنجد؛ اما آنچه مهم‌تر جلوه می‌کند، آشنایی بیشتر دانشجویان و استادان با رویکردهای جدید در بلاغت و تغییر شیوه تدریس سنتی بلاغت در دانشگاه‌هاست که این مهم با معرفی، شناخت و نقد منابع جدید در این حوزه امکان پذیر می‌باشد.

کتاب «أسلوبیة البیان العربی من أفق القواعد المعیارية إلى آفاق النص الإبداعي» اثر رحمن غرکان، استاد نقد و بلاغت دانشگاه قادیسیه عراق یکی از آثار است که نقد و بررسی آن جهت معرفی به جامعه دانشگاهی می‌تواند گامی موثر در جهت آشنایی بیشتر علاقمندان با این حوزه باشد.

این اثر سعی داشته است تا علم بیان را از دو زاویه سنتی و نوین با روشی سبک شناسانه مورد بررسی قرار دهد و با تحلیل نمونه‌هایی از شعر معاصر و همچنین آیات و روایات، به صورت عملی آنچه را که میان بلاغت قدیم و جدید تفاوت گذاشته به مخاطب عرضه بدارد که نگارنده مقاله حاضر تلاش کرده تا در این جستار به بررسی شکلی و محتوایی این اثر بپردازد.

۲. روش و سؤالات پژوهش

با توجه به اینکه پژوهش حاضر به درخواست شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی با هدف شناخت نکات مثبت و کاستی‌های کتاب‌های موجود در حوزه علوم انسانی به منظور بهبود کمی - کیفی - ارزشی منابع درسی علوم انسانی صورت گرفته است، سعی شد در نقد و بررسی کتاب از همان چارچوب و روش درخواستی این شورا استفاده شود که شامل معرفی، توصیف و ارزیابی شکلی کتاب و تحلیل محتوای اثر می‌باشد. قسمت شکلی شامل مواردی چون مشخصات شناسنامه‌ای، معرفی و ارزیابی ساختار کتاب (بخش‌ها و فصول) و ویژگی‌های اثر، ویرایش ادبی و رعایت اصول علمی ارجاع دهی و کتابنامه می‌باشد. در بخش تحلیل و ارزیابی محتوایی اثر، مواردی چون بررسی ابعاد آموزشی اثر (جامعیت

و تناسب محتوا با اهداف درسی و مطابقت با سرفصل دروس، استفاده از ابزارهای علمی) و مساله‌مندی کتاب و پاسخ‌گویی به نیازهای علمی، ارزیابی نظم منطقی و انسجام درونی بخش‌های مختلف کتاب، میزان استحکام استدلال‌ها، نوآوری و خلاقیت اثر را شامل می‌شود.

پژوهش پیش رو در نظر دارد به این سوالات پاسخ دهد: ۱- جامعیت صوری اثر چگونه است؟ ۲- روش‌شناسی اثر حاضر چگونه است؟ ۳- این اثر تا چه توانسته نوآوری داشته باشد؟ ۴- ابعاد آموزشی اثر نظر به سرفصل دروس مصوب وزارت علوم چگونه است و از نظر استفاده از ابزار آموزشی تا چه حد موفق عمل کرده است؟

۳. پیشینه پژوهش

در خصوص نقد آثاری که به بررسی بلاغت سنتی و سبک‌شناسی به مفهوم جدید آن می‌پردازند، می‌توان به پژوهشی تحت عنوان نقد و بررسی «*فی البلاغة العربية والأسلوبيات اللسانية آفاق جدیدة*» اثر سعد عبدالعزیز مصلوح اشاره کرد که توسط جناب آقای دکتر محمد خاقانی اصفهانی نقد شده است. نقد و بررسی این کتاب بیشتر ناظر بر امکان بازخوانی بلاغت سنتی در پرتو سبک‌شناسی زبان شناختی است که سعی داشته با تفکیک و برجسته‌سازی سه رویکرد اصولی و نقش‌گرایانه و قاعده‌مدارانه بلاغت سنتی و پیشروان آن را توضیح دهد. خاقانی اصفهانی، بررسی بلاغت رتبه در سه زبان عربی، روسی و انگلیسی را از منظر زبان‌شناسی مقابله‌ای از مزبای این کتاب دانسته و همچنین پرداختن به تنوع لهجه‌ها و زبان‌ها در زبان‌شناسی مقابله در این مقاله از نقاط قوت کتاب به شمار می‌رود. و در نهایت منتقد کتاب به کاستی‌های کتاب از جمله فقدان تمرین و آزمون، نداشتن فهرست‌گونه‌گون و عدم نتیجه‌گیری پایان هر فصل، استقلال فصول از هم و نداشتن اشاره می‌کند. (خاقانی اصفهانی، ۱۳۹۴) در خصوص نقد و بررسی کتاب رحمن غرکان تاکنون کاری انجام نشده است.

۴. بررسی و نقد اثر

۴-۱. معرفی نویسنده و اثر وی

دکتر رحمن غرکان زاده سال ۱۹۷۰م در عراق است وی استاد نقد ادبی و بلاغت در دانشگاه قادسیه عراق می‌باشد. غرکان در عرصه نقد و بلاغت آثار مهمی را به رشته تحریر در آورده که در محافل علمی و ادبی عراق از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است از مهمترین تالیفات این ناقد و شاعر عراقی می‌توان به آثار زیر اشاره کرد:

۱. لغة الشعر الإسلامي - الفرزدق أنموذجا، بغداد، ۱۹۹۶م.
 ۲. قصيدة الأداء الفني في الشعر العراقي المعاصر، بغداد، ۲۰۰۲م.
 ۳. مقومات عمود الشعر: الأسلوبية بين النظرية والتطبيق، دمشق، ۲۰۰۴م.
 ۴. التنظير والاجراء - دراسة في أشكال أداء القصيدة العربية، النجف الأشرف، ۲۰۰۶م.
 ۵. موجهات القراءة الإبداعية، دمشق، ۲۰۰۷م.
 ۶. أسلوبية البيان العربي - من أفق القواعد المعيارية إلى آفاق النص الإبداعي، دار الرائي، دمشق، ۲۰۰۸م.
 ۷. علم المعنى - الذات، التجربة، القراءة. دار الرائي، دمشق، ۲۰۰۸م.
 ۸. نظرية البيان العربي / خصائصالنشأة ومعطيات النزوع التعليمي (تنظير وتطبيق). دار الرائي، دمشق، ۲۰۰۸م. (<http://www.alnoor.se/author.asp?id=1895>)
- این شاعر و ناقد عراقی بخاطر کتاب «علم المعنى - الذات، التجربة، القراءة» برنده جایزه نوآوری نقد ادبی در عراق شد.
- غرکان علاوه بر پژوهش‌های نقدی و ادبی، در عرصه شعر نیز صاحب آثاری است که مهمترین آنها عبارتند از: ۱. سوف بلا ربما، بغداد، ۱۹۹۸م. ۲. سفر فی مرایا القید، بغداد، ۲۰۰۱م. ۳. تجلیات، بغداد، ۲۰۰۲م.
- (<http://alapn.com/ar/save.php?typ=1&newsid=9940>)
- کتاب «اسلوبية البيان العربي من أفق القواعد المعيارية إلى آفاق النص الإبداعي» از جمله مهمترین کتاب‌های غرکان است که در سال ۲۰۰۸ در ۲۸۵ صفحه توسط انتشارات دارالرائی در دمشق به چاپ رسید. غرکان هدف از نوشتن این اثر را خوانش‌بیان عربی (تشبیه، مجاز، استعاره و کنایه) با دو نگاه بیان می‌کند؛ یکی رویکرد قاعده‌مندانه و آموزشی که در کتاب حاضر تحت عنوان *اسلوب البيان العربي* از آن یاد می‌شود که این رویکرد همان نگاه سنتی به بلاغت است. رویکرد دیگر - که شاید قسمت اصلی کتاب به شمار رود - تشبیه، مجاز، استعاره و کنایه را از منظر بلاغت جدید و مبتنی بر آفرینش‌های هنری نو در مقابل مثال‌های سنتی که در اکثر کتب بلاغی تکرار می‌شود مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد. غرکان این بخش را تحت عنوان *اسلوبية البيان العربي* آورده است.

۴-۲. جامعیت صوری اثر

مقدمه کتاب، محتوای آنچه در پنج فصل کتاب آمده است را به طور اجمالی بیان می‌کند. هر چند کتاب در پایان هر مبحث به شکل صریح خلاصه‌ای از مطالب آن فصل ندارد اما

درآمدی انتقادی بر کتاب *أسلوبية البيان العربي من ...* ۱۳۹

نویسنده در پایان کتاب فصلی را تحت عنوان خاتمه، بیان کرده است (غرکان ۲۰۰۸ ص ۲۷۵) و از سوی دیگر در پایان برخی از بررسی‌ها، تحلیل‌های جامعی ارائه می‌دهد که خواننده را به یک برداشت و ذهنیت شفاف رهنمون می‌شود، در این مورد می‌توان به شعر *اللقاء الأخير* محمود درویش اشاره کرد که غرکان در نهایت به صورت واضح و دسته‌بندی شده *أسلوبية المجاز* در این قصیده را مورد اشاره قرار می‌دهد (غرکان، ۲۰۰۸، ص ۱۴۳) و یا شعر «أحمد الزعتر» از همین شاعر در نهایت با عنوان *في أسلوبية الأداء الاستعاري* در چند فقره مورد جمع‌بندی قرار می‌گیرد.

اثر دارای فهرست اجمالی می‌باشد، اما از فهرست اعلام نام‌ها، آیات و روایات و اشعار برخوردار نیست مضاف بر اینکه بخاطر تنیدگی مطالب، استفاده از جدول‌ها و نمودارها بسیار ضروری به نظر می‌رسید که نویسنده فقط در چند مورد اندک به ترسیم جدول و نمودار در صفحات ۵۴ و ۶۹ اکتفا کرده است.

اغلاط چاپی، املائی و علائمی نگارشی در اثر بسیار اندک است که چند مورد آن عبارتند از: ص ۵ فهرست که به جای *أسلوبية البيان العربي* عبارت اسلوب التشبيه استفاده شده که با محتوا هم‌خوانی ندارد و در صفحات ۱۷۴ *المخاطب، الخاطب و ۱۷۶* فقد، فقه و ص ۱۴۰ *يتزين، يتزينا* نوشته شده است و در صفحه ۹۱ جمله «لا یعنی المبدع قد انطلقه من الوجه التجريدي المضمّر» به دلیل اشتباه نحوی در ساختار، جمله دچار ابهام است و در ادامه همین جمله کلمه *التعبير* که مضاف است الف و لام گرفته و واژه *العینین* به اشتباه *العینین* به نگارش در آمده است. علامت نگارشی (،) در تمام کتاب مانند انگلیسی (،) ثبت شده است.

۴-۳. روش‌شناسی اثر

نویسنده برای بررسی بیان عربی همچون بسیاری از منتقدان و بلاغیان معاصر، دوگانه بلاغت سنتی و بلاغت جدید را در روش بحث خود مورد توجه قرار می‌دهد. غرکان با اشاره به *الأسلوب والأسلوبية* پیوسته سعی دارد که تفاوت هر دو دیدگاه و رویکرد به مقوله‌های علم بلاغت را مورد کنکاش قرار دهد.

وی با اشاره به آراء بلاغیان قدیمی همچون ابن قتیبه، جاحظ، خطابی، حازم قرطاجنی و عبدالقاهر جرجانی اسلوب را دارای کاربردی قدیمی می‌داند که واضح‌ترین شکل آن، در نزد جرجانی در قالب نظریه نظم رخ می‌نماید؛ عبدالحازم قرطاجنی این مفهوم اصیل را در کتاب *منهاج البلغاء* تحت عنوان *المنازع* می‌آورد و اسلوب را نتیجه چگونگی پیوسته وصف

یکی از اغراض سخن می‌داند و آن را روشی برای بیان معنای هنری به حساب می‌آورد. (غرکان، ۲۰۰۸، ۱۷)

در میان قدما این خلدون در تبیین مفهوم اسلوب به مسائل زبانی توجه ویژه‌ای داشته اما از نظر غرکان، این خلدونان بلاغت آموزشی و قاعده‌مند نیز تاثیر پذیرفته و همین مساله باعث می‌شود تا اسلوب به عنوان یک ساختار ذهنی انتزاعی و محدود به الهام گرفتن از تجربه‌های متون گذشته شود. (همان، ۲۰).

نویسنده با نگاه تمدنی و بشری که به زبان دارد بر این باور است که زبان بخاطر زنده بودنش به یک روش ثابت محدود نمی‌شود و جمود و تصوری یک‌جانبه به آن راه نمی‌یابد؛ بلکه مانند سلول‌های بدن انسان برای بقاء و زنده ماندن متجدد و گسترده می‌شود، از همین رو روش اسلوبیه و بلاغت جدید در واکنش به بلاغت سنتی بخاطر خیزش و نوگرایی در جواب به تحول و تجدد زبان ظهور پیدا کرد و از نگاه جزئی و مثال‌گرایی و آموزشی به لباس وصفی تحلیلی و خوانش ساختار متن خلق شده، درآمد. (همان، ۳۱-۳۲)

این‌گونه بود که منتقدان و بلاغیان معاصر به سمت بلاغت اسلوبیه توجه پیدا کردند چرا که بر خلاف بلاغت سنتی که در فضایی پدید آمد که یافتن بهترین نمونه و شاهد مثال مورد نظر بود اما بلاغت جدید در شرایطی ظهور کرد که ضرورت توجه به ساختار و کشف لایه‌های عمیق‌تر و پنهانی متن بیشتر مورد بررسی قرار گرفت (غرکان، ۲۰۰۸، ۳۴) و همچنین تنوع انواع ادبی و تلاقی بلاغت با دستاوردهای جدید سایر حوزه‌های علم، مفهوم تازه‌ای به بلاغت جدید داد.

بر همین اساس نویسنده در تحلیل‌های خود، با رویکرد اسلوبیه، نمونه‌هایی را در بخش نظری عرضه می‌دارد و بیشتر بر حضور انسانی فعال به دور از مثال‌محوری که گریبان‌گیر بلاغت قدیم است تاکید دارد. (غرکان، ۲۰۰۸، ۳۴)

۴-۴. کیفیت تحلیل و نقد آراء دیگران

پایه این کتاب بر اساس ظهور/الاسلوبیه در واکنش به بلاغت قدیم که مبتنی بر معیارهای ثابت و آموزشی بود شکل گرفته است که نویسنده سعی کرده ابتدا مفهوم/الاسلوبیه و تفاوت آن را با بلاغت و معیارهای آن تحلیل کند که در سایه آن، عناصر مطرح شده در بیان عربی مانند تشبیه، مجاز، استعاره و کنایه را مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد.

از جمله انتقاداتی که نویسنده متوجه بلاغت قدیم می‌کند مواردی همچون رویکرد آموزشی، قاعده‌گرایی، ارزش‌گذاری و تاکید بر شواهد مثال است و همین مساله باعث شده تا

بلاغت قدیم، مخاطب خود را از نوآوری و ابداع بازدارد از همین رو نویسنده سعی کرده است که با کنار زدن چنین معیارهای دست و پاگیری، تحلیلی نو و خلاقانه از متون ادبی ارائه دهد که این تحلیل‌ها در بخش «نص و قراءه» نمود پیدا می‌کند.

نویسنده حتی نسبت به معاصران در خصوص نگاه آموزشی و خشک به بلاغت نقدهایی دارد؛ به عنوان مثال تعریف لاشین در کتاب *البيان في ضوء اساليب القرآن* را پیرو تعریف همان قدما می‌داند، بر اساس این تعریف مخاطب بیش از آنکه به دنبال ارزش‌های زیبایی‌شناسانه متن باشد به دنبال رویکردهای آموزشی است (همان ۴۹).

نمونه دیگر از تحلیل و نقد نظر دیگران مساله وجود یا عدم وجود مجاز در قرآن است که آرا قائلین به عدم جواز مجاز در قرآن را بیان می‌کند و سپس با تحلیل دقیق دوگانه‌های حقیقت و مجاز، علاقه و قرینه، ناتوانی و توانایی به این مساله اشاره می‌کند که به نظر غرکان اصولاً قائلین به عدم وجود مجاز در قرآن در بیان مساله دچار اشتباه شده‌اند (غرکان، ۲۰۰۸، ۱۱۰-۱۱۱).

جهت گیری تحلیل‌های کتاب، بیشتر مبتنی بر نیاز به یک زبان و ادبیات پویا که متناسب با فکر بشری رشد و تحول پیدا می‌کند است، آن‌گونه که خود نویسنده با نگاهی تمدنی به زبان می‌نگرد و شرط اینکه بتوان زبان را از ابزار تمدن ساز مبتنی بر معرفت به شمار آورد زنده بودن آن است و نباید در چارچوب معیارهای گذشته محصور بماند.

نویسنده هر چند نسبت به رویکرد سنتی بلاغت منتقد است اما این رویکرد را خاص شرایط آن عصر می‌داند و از همین رو به افرادی همچون ابن خلدون حق می‌دهد که مانند هر منتقد دیگری در آن دوره رویکرد خود به بلاغت را مبتنی بر رویکرد قدما اساس نهند. (همان ۲۸)

نویسنده در کنار توجه به رویکرد جدید در بلاغت و اشاره به معیارهای بلاغت جدید که در واکنش به بلاغت قدیم پیدا آمده است به دستاوردهای بلاغت قدیم نیز توجه دارد و بلاغت جدید و اسلوبیه را میراث دار بلاغت قدیم می‌داند که برخی از عناصر خود را از بلاغت سنتی گرفته است. (همان ۳۳)

۴-۵. میزان نوآوری اثر

در مقایسه با کارهای مشابه در خصوص *الأسلوب والاسلوبية* نویسنده اثر توانسته تمایز دقیقی را بین این دو حوزه قرار دهد و برخی از منتقدان مانند عبدالسلام المسدی علی رغم اینکه عنوان کتاب خود را *الأسلوب والاسلوبية* گذاشته‌اند در عنوان باقی مانده‌اند

و نتوانسته‌اند افقی مشخص را پیش روی خواننده بگذارند، این در حالی است که غرکان از ابتدای مباحث خود و در هر فصل هم *اسلوب البیان العربی* را مورد تحلیل قرار داده است و هم *اسلوبیة البیان العربی* را با ذکر نمونه آیات، روایات و اشعار به خوبی تبیین کرده است. به عنوان نمونه بعد از آنکه غرکان اسلوب تشبیه را بر اساس شیوه آموزشی و قاعده‌مندی بلاغت قدیم مورد بررسی قرار می‌دهد و همان ارکان تشبیه و طرفین تشبیه را از لحاظ حسی و عقلی بودن ذکر می‌کند (غرکان، ۲۰۰۸، ۴۸). *أشودة المطر بدرشاكر سیاب* را نظر به اسلوبیة التشبیه مورد تحلیل قرار می‌دهد که در بخشی از تحلیل این قصیده به دستاوردهای اسلوبیة اشاره می‌کند و ساختار تشبیه در این قصیده را نوآورانه و ساخته نگاه خود شاعر می‌داند؛ از همین رو هیچ شاعر عربی قبل از سیاب چشمان معشوق خود را در سیاهی زیبا و برق زدن‌های سرشار از زندگی به نخلستان در هنگام سحر نه در زمانی دیگر، تشبیه نکرده است و همچنین چشمان معشوق را در سیاهی حزن آلودش به دو بالکن آن هم به هنگام شب و به وقت از نظر پنهان شدن ماه، تشبیه می‌کند که این خود نشان از ویژگی عمیق هنری شاعر دارد.

در اسلوبیة بر خلاف اسلوب، اطراف جمله تشبیه بخش اصلی ساختار تشبیه را تشکیل می‌دهد؛ چرا که بدون توجه به اطراف تشبیه و اکتفا کردن به دو طرف تشبیه نمی‌توان در تاویل و تحلیل عمیق این ساختار موثر عمل کرد؛ از همین رو غرکان در فهم دو بیت اول قصیده سیاب، نقش زمان (ساعة السحر) و (حین یغیب القمر) را بسیار اساسی می‌داند و بدون این دو زمان معنای شعری کامل نمی‌شود همان‌طور که در شعر کاظم حجاج: (أنی فتی \ کالبرتقالة شاحب \ والبرتقالة لاتخاف \ لکنما \ یصفر وجه البرتقالة \ کلما قرب القطف) معنای شعر در (أی فتی کالبرتقالة شاحب) کامل نمی‌شود بلکه در جمله (یصفر وجه البرتقالة ...) معنا کامل می‌شود چرا که این قسمت از شعر در ساختار عمودی تشبیه قرار می‌گیرد که همین منجر به شکل‌گیری معنای جدیدی می‌شود که علی‌رغم شیوع تشبیه زردی به یرتقال، روش آن در سایر اشعار تکرار ناپذیر است. (غرکان، ۲۰۰۸، ۸۸)

البته نویسندگان در برخی موارد مانند هم‌کیشان خود این دو مفهوم را به گونه‌ای با هم خلط می‌کند، به عنوان مثال در صفحه ۲۷ کتاب می‌گوید که اسلوب برگرفته از روش مستمر و مشخص است که ابزار وصف آن به گذشته برمی‌گردد اما ابزار شناخت در اسلوبیة به متن خلق شده برمی‌گردد که مربوط به آن چیزی است که در همان لحظه خلق شده، نویسندگان با این تحلیل به خوبی میان این دو را تمایز می‌نهد اما در صفحه ۲۹ با

درآمدی انتقادی بر کتاب *أسلوبية البيان العربي من ...* ۱۴۳

استفاده از اصطلاح «الاسلوب الحديث» مقوله *الاسلوب والاسلوبية* را که دائماً سعی دارد اولی را به بلاغت قدیم و دومی را به بلاغت جدید نسبت دهد زیر سوال می‌برد و مخاطب دچار سردرگمی می‌شود.

همانطور که قبلاً ذکر شد، نویسنده سعی دارد با رویکردی روزآمد و متناسب با سطح فکری و فرهنگی انسان که در حال تحول است به تحلیل داده‌های خود پردازد که بر همین اساس در صفحات ۷۲ الی ۹۳ و ۱۳۹ الی ۱۵۲ و صفحه ۱۸۷ تحلیل‌های جدیدی از اشعار معاصر ارائه داده است.

از نگاه غرکان برای اینکه بتوان در خصوص مفهوم ساختار تشبیه در متون معاصر با رویکردی نو نگرست نباید به رویکردهای کهن تصویر در متن قدیم وابسته شد، بلکه باید نسبت به این رویکردهای کهن دوری جست. وی چهار رویکرد از میان رویکردهای قدیمی را مورد اشاره و تحلیل قرار می‌دهد که عبارتند از: ۱- رویکرد آموزشی ۲- رویکرد قاعده‌مندانه ۳- رویکرد ارزش‌گذاری ۴- رویکرد نمونه‌گرایی (تکیه بر شاهد مثال‌های بلاغی). ۴- رویکرد جزء‌گرایانه (غرکان، ۲۰۰۸، ۲-۶۱) از همین رو سبک‌شناسی -یه عنوان یک علم نسبتاً جدید- تلاش کرد تا از لغزشگاه‌های بلاغت قدیم مانند غرق شدن در شکل و اکتفا کردن به رویکرد جزء‌گرایانه که از مفرد شروع می‌شود و نهایتاً به جمله می‌رسد، اجتناب کند. (عبدالمطلب، ۱۹۹۴، ۳۵۲)

غرکان با همین رویکرد مبدعانه سعی دارد با کنار زدن این رویکردهای قدیمی نگرشی مبدعانه و نوآورانه را در نقد یک متن ارائه دهد؛ چرا که از نگاه وی این رویکردهای سنتی، قاعده‌مندی موضوع رابر درک هنری آزاد از یک متن ترجیح می‌دهد و کارکرد حس زیبایی‌شناسانه را در فهم متن از بین می‌برد تا جایی که فرآیند دریافت برای متن ایجاد نمی‌شود و نقد حاصل از آن بسیار ضعیف می‌نمایاند. (غرکان، ۲۰۰۸، ۶۴) و اگر به نظریه نظم عبدالقاهر جرجانی بازگردیم او سعی داشته معیار شاعر مبدع را خروج از ساختار وضعی محدود و تحرک وسیع در حدود نحو زیباشناسانه به جای نحو قاعده‌محور بدانند. (عبدالمطلب، ۱۹۹۴، ۳۶۳)

از همین رو غرکان در تحلیل‌هایی که در قسمت «نص و قراءه» ارائه می‌دهد پیوسته به مفهوم ابداع در بیان عربی نظر دارد. به عنوان نمونه آنچه در تحلیل شعری تحت عنوان «احمد زعتر» از محمود درویش توسط غرکان می‌آید ارجاع خواننده به تاویل لایه‌های پنهان شعر است که از گذر استعاره حاصل شده و سبک بیانی استعاره در نزد محمود درویش به گونه‌ای است که خواننده را در ابداع معنای شعری شریک می‌کند.

تحلیل شعر *آنشوده المطر* توسط غرکان از همین نمونه تحلیل با تکیه بر ابداع ادبی است که در آن ساختار تشبیه را ساختاری ابداع گونه می‌داند که همین مساله باعث شده تا ابعاد مجاز حاصل از ساختار تشبیه گسترده‌تر از مفهوم سنتی‌اش به مخاطب الهام شود. (غرکان، ۲۰۰۸، ۹۰)

۴-۶. میزان سازواری اثر با مبانی و اصول دینی و اسلامی

با توجه به ماهیت موضوع که علم بیان است و اساس آن با نزول قرآن کریم توسط منتقدان ادبی مسلمان بنا نهاده شد می‌توان گفت، این اثر مانند سایر آثار در این حوزه در راستای مبانی و اصول دینی و اسلامی تعریف می‌شود و همچنین قرآن کریم به عنوان اصلی‌ترین منبع اسلام و روایات و احادیث معصومین علیهم السلام از سبک‌های بیانی و تصویری آکنده است و فهم دقیق آن ایجاب می‌کند که درک عمیقی نسبت به این سبک-های بیانی داشت و هر چه این درک عمیق‌تر باشد طبیعتاً درک جامعه اسلامی نسبت به ارزش‌های اسلامی از گذر این متون دقیق‌تر خواهد بود و آثاری مانند کتاب دکتر غرکان که گامی مهم در راستای فهم سبک‌های بیانی متناسب با نیازهای روز بشری است، می‌باشد خود می‌تواند نقش مهمی در تحلیل و استنباط متون دینی داشته باشد؛ از جمله این موارد صفحه ۱۱۷ کتاب می‌باشد که مولف برای توضیح مجاز مرسل با علاقه‌هایی مختلف به آیات قرآن استشهاد می‌جوید: (و جزاء سیئة سیئة مثلها) (شوری/۴۰) (فمن اعتدی علیکم فاعتدوا علیه) (بقره/۱۹۴) (ید الله فوق أیدیهم) (فتح/۱۰) که در این آیات به ترتیب جزای بدی (سیئة) نامیده شده که آن سبب جزا است و جزای تجاوز (اعتداء) نامیده شده چرا که سبب جزا است و قدرت (یدا) نامیده شده چرا که سبب قدرت به شمار می‌رود. و در توضیح سایر علاقات مجاز مانند عمومیت، خصوصیت، اشتقاق، ناقصه، زائد و... به آیات قرآنی استناد می‌کند.

شاهد مثال دیگر در استناد به آیات قرآنی در تعریف و تبیین تجسیم و تشخیص استعاره است که در توضیح آیه: (إذا ألقوا فیها سمعوا لها شهيقا وهی تفرور * تکاد تمیز من الغیظ) به سخن قدما مانند ابو عبیده و ابن اثیر و رمانی اشاره می‌کند که به این مساله تحت عنوان مجاز اشاره داشته‌اند. (غرکان، ۱۸۰)

مورد دیگر در استشادات قرآنی توسط غرکان می‌توان به صفحات ۱۷۴ و ۱۷۵ کتاب اشاره کرد که برای تبیین عقلی و حسی بودن مستعار منه و مستعار له به آیه: (واشتعل الرأس شیباً) (مریم/۴) اشاره می‌کند و طرفین استعاره را محسوس می‌داند؛ از یک سو

(النار) به عنوان مستعارمنه و (الشيب) به عنوان مستعار له . برای استعاره معقول به معقول به آیه شریفه (قدمنا إلى ما عملوا من عمل فجعلناه هباء منثورا) (فرقان / ۲۳) استشهاد می- جوید که در اینجا مستعار له پاداشی که بر باد رفته است می‌باشد و مستعار منه بر گشتن از سفر بعد از مدتی است (غرکان، ۱۷۵) که البته به نظر می‌رسد مؤلف در خصوص تشخیص مستعارله و مستعار منه دچار اشتباه شده است چرا که در این آیه شریفه هدف به تصویر کشیدن پاداشی است که بر باد رفته که در این صورت مستعارله همان پاداش از دست رفته است و مستعار منه گرد و غباری است که بر باد داده شده است اگر هم محل استشهاد بخش اول آیه یعنی (قدمنا إلى ما عملوا من عمل) باشد و برگشتن از سفر بعد از مدتی مستعار منه باشد مستعار له آن پاداشی که از دست رفته نمی‌باشد.

۴-۷. انطباق و جامعیت اثر

عنوان کتاب «*أسلوبية البيان العربي من أفق القواعد المعيارية إلى آفاق النص الإبداعي*» است که هر یک از کلید واژه‌ها در محتوای اثر از بالاترین بسامد برخوردار است، بدین صورت که از همان ابتدای فصل اول ارتباط اسلوبیه و بلاغت به خوبی تبیین شده است و در فصل‌های بعد همانطور که در فهرست آمده است، ابتدا مفهوم اسلوب و سپس اسلوبیه در ارتباط با هر یک از مسائل علم بیان از جمله تشبیه و مجاز و استعاره و کنایه مورد تحلیل قرار گرفته است در بخش اسلوب همان قواعد سنتی بلاغت مورد اشاره قرار گرفته است و در بخش اسلوبیه بر اساس متون شعری معاصر شکل ابداعی مبتنی بر بلاغت جدید مورد تحلیل و اشاره قرار گرفته است.

این کتاب از این جهت که نگاهی روزآمد به مباحث علم بیان دارد و در حوزه عملی، اشعار معاصر را مورد تحلیل قرار داده است، می‌تواند نقصان کتاب‌های بلاغت قدیم را که جزء سرفصل دروس است جبران کند؛ چرا که این کتاب بر بلاغی سنتی که نگاه قاعده‌مدارانه و آموزشی صرف به مسائل بلاغت دارند، بر خیال و ذوق و ابداع تکیه دارد؛ البته مباحث این کتاب را بیشتر می‌توان متناسب با دوره کارشناسی ارشد و دکتری دانست.

۴-۸. به‌کارگیری ابزارهای مقدماتی

بحث مقدماتی ابتدای کتاب تحت عنوان «*فی اسلوب البيان العربي*» یک دید کلی را نسبت به مسائل ارائه شده در فصول بعد را ارائه می‌دهد و همچنین در ابتدای هر فصل و قبل از آنکه وارد مباحث عملی شود، در حوزه نظری، مقدمات خوبی فراهم آمده است و

در پایان هر بخش از «نص و قراءه» به یک تحلیل و جمع‌بندی رسیده و در پایان کتاب کلیت مباحث در قسمت خاتمه به صورت نتیجه کلی ذکر شده است. کتاب فاقد تمارین و آزمون برای خواننده است که برای درس دانشگاهی حتماً نیازمند طراحی آزمون و تمارین می‌باشد.

با توجه حجم بالای نظرات منتقدان مخصوصاً در در عصر حاضر در خصوص تفاوت‌های بلاغت قدیم و جدید و احیاناً مبهم بودن این نظرات بهتر می‌بود غرکان خلاصه مطالب را به شکل خلاصه در جدول‌هایی ذکر می‌کرد تا خواننده از تراکم مطالب تنیده شده در هم خسته نشود و یا اگر نیازی به مرور مجدد باشد خواننده بتواند بدون سردرگمی در بین خطوط به هم فشرده مطالب را بازیابی کند.

۴-۹. ارزیابی منابع

نویسنده از منابع دسته اولی چون *أسرار البلاغة جرجانی* - *مجاز القرآن ابو عبیده* - *منهاج البلاغاء وسراج الأدباء حازم القرطبجانی* - *العمدة ابن رشيق* - *مقدمه ابن خلدون* - *البيان في مجازات القرآن شريف رضى* - *الموازنة بين شعراي تمام والبحتری آمدی* استفاده کرده است.

وی از منابع جدیدی همچون *الأسلوبية والبيان العربي* - *علم الاسلوب مبادؤه واجراءته* - *البلاغة العربية قراءة اخرى* - *الصورة الفنية في التراث البلاغي والنقدی* - *الاستعارة في النقد الادبي الحديث* و همچنین شعراي معاصر استفاده شده است اما برخی از نظرات و کتب غربی که می‌توانست مورد توجه قرار گیرد استفاده‌ای نشده است از جمله این نویسندگان جورج مولینی (ن ک : مولینی، ۲۰۰۶) است که کتاب *الأسلوبية* را به رشته تحریر درآورده و همچنین جوزیف میشال شریم (ن ک : میشال شریم، ۱۹۸۷) که کتاب *دلیل‌الدراسات الأسلوبية* را نوشته است البته در زمینه تشبیه و بیان واستعاره نیز جای نظرات غربی‌ها و مشتشرقین و تحلیل و نقد نظراتشان خالی است که از جمله آنان می‌توان به هلموت ریتر که مقدمه‌ای طولانی بر کتاب *أسرار البلاغة جرجانی* نوشته اشاره کرد و همچنین هاینریشس که کتاب «*يد الشمال*» را درباره استعاره در نقد عربی به رشته تحریر در آورده (ابوالعدوس، ۱۹۹۸، ۱۷) نیز می‌توانست مورد توجه و نقد نویسنده قرار گیرد. می‌توان گفت نویسنده دقت در رعایت امانت را داشته و مطالب منقول را ارجاع داده‌اند. بهتر می‌بود نویسنده مصادر و مراجع را در پایان کتاب ذکر می‌کرد و تا از تکرار برخی منابع در پایان هر فصل پرهیز شود.

۵. نتیجه گیری

بر اساس سوالات مطرح شده در پژوهش حاضر می‌توان نتایج حاصل از جواب به این سوالات را در دو بخش نقاط قوت و کاستی‌های کتاب ذکر کرد.

نقاط قوت کتاب:

- تناسب عنوان کتاب با مطالب کتاب در تمامی فصول مشهود است و همانطور که نویسنده در عنوان به دو کلید واژه *القواعد المعيارية والنص الابداعي* اشاره نموده است در تمامی فصول با شواهد و استنادات این دو مساله مورد تحلیل قرار گرفته است.
- غرکان سعی داشته تا با نگاهی تمدنی و پویا به زبان به مثابه یک پیکره زنده، مسائل بیانی بلاغت را همگام با ادبیات روز و از منظری نو به تصویر بکشد و با تحلیل‌های عملی از متون معاصر توانسته مباحثی را که در آثار مشابه در خصوص بلاغت قدیم و جدید از حد نظریه عبور نکرده، به خوبی برای مخاطب به صورت کاربردی تحلیل کند.
- نویسنده در هر فصل از ابتدا به تحلیل و بررسی رویکرد بلاغت سنتی تحت عنوان *أسلوب البيان العربي* که بیشتر مبتنی بر روش آموزشی وقاعده‌مندی است می‌پردازد، سپس در قسمت دوم با رویکرد مبتنی بر آفرینش‌های هنری نو از منظر بلاغت جدید تحت عنوان *أسلوبية البيان العربي* به تحلیل و بررسی اشعار معاصر می‌پردازد.
- در پایان برخی از بررسی‌ها، تحلیل‌های جامعی توسط نویسنده ارائه می‌شود که خواننده را به یک برداشت و ذهنیت شفاف در خصوص *أسلوبية البيان العربي* رهنمون می‌شود.
- نظم منطقی و تسلسل مطالبی که در فصول کتاب آمده است و محوریت مباحث از ابتدا تا انتهای کتاب حول مباحث (تشبیه، مجاز، کنایه و استعاره) در بلاغت قدیم و جدید می‌باشد و مانند آثار مشابه که گاهی از هر دری سخن می‌گویند و مباحث پراکنده را در فصول مختلف ذکر می‌کنند نمی‌باشد.
- استفاده کافی از منابع و مصادر اصلی از بلاغیان و منتقدان مسلمان چه در دوران گذشته و چه در عصر حاضر که نویسنده کتاب به نقد و تحلیل آراء آنان پرداخته است.

کاستی‌های کتاب:

- با توجه به تاکید بر ابداع و نوآوری در مباحث بلاغی چون تشبیه و استعاره و کنایه و مجاز و نمونه‌های عملی خوبی که کتاب دارد می‌تواند به عنوان یک کتاب درسی در مقطع تحصیلات تکمیلی ارائه شود اما با این وجود مطالب کتاب بسیار فشرده و بدون تمرین و آزمون و نمودارهای شکلی است که همین مساله تا حدی باعث شده که نتوان در مساله آموزش از آن به خوبی بهره جست.

- عدم اشاره به دستاوردهای صاحب نظران غریبدر حوزه سبک شناسی و استعاره.
- کتاب فاقد فهرست اعلام نام‌ها، آیات و اشعار می‌باشد.

۶. پیشنهادها

با توجه به نیاز مبرم چنین کتاب‌هایی برای دانشجویان زبان و ادبیات عربی در درس بلاغت پیشنهاد می‌شود مباحث مقایسه‌ای که نویسنده در خصوص بلاغت قدیم و جدید و یا اسلوب و اسلوبیه اراده داده است به شکل نمودار و یا در جدول‌هایی که فرآیند فراگیری و مرور مطالب را تسهیل کند ارائه شود.

مساله دیگر که می‌تواند در کنار مزیت‌های قابل توجه کتاب به درسی شدن کتاب کمک کند، قرار دادن تمرین در پایان هر درس است که خواننده بتواند مبتنی بر آن به تحلیل و بررسی بیانی متون ادبی بپردازد.

در کنار ذکر آراء و نظرات منتقدان و بلاغیان مسلمان نویسنده می‌توانست گریزی هم به دستاوردهای صاحب نظران غربی داشته باشد تا با مقایسه به نظرات صاحب نظران مسلمان و غربی بهتر بتوان به یک جمع بندی رسید.

منابع

- ابوالعدوس، یوسف (۱۹۹۸)، *الإستعارة فی دراسات المستشرقین فلفهارت هاینریشس نموذجاً*، ط ۱، لبنان: منشورات الأهلية.
- خاقانی اصفهانی، محمد، (۱۳۹۴) «بررسی و نقد فی البلاغة العربية والأسلوبیات اللسانية»: آفاق جدیدة، پژوهش نامه انتقادی متون و برنامه های علوم انسانی: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- عبدالمطلب، محمد (۱۹۹۴) *البلاغة والأسلوبية*، ط ۱، لبنان: مکتبه لبنان ناشرون.
- عبدالمطلب، محمد، (۱۹۹۷) *البلاغة العربية: قراءة أخرى*، ط ۱، لبنان: مکتبه لبنان ناشرون.
- غرکان، رحمن، (۲۰۰۸) *اسلوبية البيان العربي من أفق القواعد المعيارية إلى آفاق النص الإبداعي*، ط ۱، دمشق: دار الرائي.
- مولینیه، جورج، (۲۰۰۶)، *الأسلوبية*، ترجمه بسام برکه، ط ۲، بیروت: مجد المؤسسة الجامعية للدراسات والنشر والتوزيع.
- میشال شریم، جوزف، (۱۹۸۷) *دلیل الدراسات الأسلوبية*، ط ۲، بیروت: المؤسسة الجامعية للدراسات والنشر والتوزيع.

<http://alapn.com/ar/save.php?typ=1&newsid=9940>

<http://www.alnoor.se/author.asp?id=1895>